

نقد مصاحبه بی بی سی

با جناب آقای اردشیر زاهدی

امیر فیض- حقوقدان

بواسطه مشکلاتی که در تحمل صدا دارم و گاه شدت وضع پیدا میکند، نتوانستم مستقیماً از مصاحبه بی بی سی با جناب زاهدی بهره مند بشوم^۱ از همسر تقاضا کردم که مصاحبه را بشنود و مرا از مواردی که بنظرش مهم میآید بطریقی که معمول بنده است تفهیم بشوم.

بمناسبت سالگرد رویداد سال ۱۳۳۲ اجرائد و نویسندگان خارج از کشور و همچنین برنامه سازان از جمله خبرگزاری های خارج به مصاحبه ها و درج نظرات شخصیت ها اقدام کردند شاید هم ادعای سازمان سیا که سندی تازه از جریان ۲۸ مرداد منتشر ساخته سبب این تجدید غوغا شده باشد چنانکه جمهوری اسلامی هم موضوع خسارات وارده به ایران را بمناسبت دخالت آمریکا در رویداد ۲۸ مرداد پیش کشیده که بدادگاه لاهه رجوع کند.

در راستای این جریان بی - بی - سی مصاحبه ای با جناب آقای اردشیر زاهدی که مطلع ترین شخصیت حاضر و ناظر در خرد و کلان جریان ۲۸ مرداد بوده اند داشته است که نقد حاضر متوجه آن مصاحبه است که بطور غیر مستقیم و بعداً بطور مستقیم در جریان آن قرار گرفته ام.

مانع و توقف نقد

حقیقت این است که ورود به نقد مصاحبه بر اساس آنچه که غیر مستقیم و بواسطه بمن رسیده بود برایم بسار مشکل شد به این توضیح که وجدان و بیداری لازم را ناظر بر تنظیم تحریر نیافتم و تحریر با نارضایتی و تردید در مطلب پیش میرفت ناچار تحریر را رها کردم و قبول کردم که نقد بواسطه همانقدر اعتبار دارد که نقدی صورت نگیرد چرا که برداشت های اشخاص نسبت به شنیده ها یکدست نیست و انتقال آن به دیگران خود موضوعی است که از درستی و اصالت آن میکاهد، این بود که نقد را متوقف ساختم تا اگر توانستم مستقیماً در جریان مصاحبه قرار گیرم و گرنه نقد مصاحبه چه لزومی دارد.

^۱ - گفتگوی بی بی سی با جناب آقای اردشیر زاهدی، در سال ۲۰۰۹ به یوتوب سوار شده است و به احتمال زیاد در همان سال گفتگو انجام شده است. امسال (۲۰۱۳) به مناسبت سند ادعایی منتشر شده از سوی سیا دوباره مورد توجه همگان قرار گرفت و بسیار هم همه گیر شد.

Ardeshir Zahedi talk with BBC Persian TV Part 1

http://www.youtube.com/embed/bLRsaFrKIS8?feature=player_detailpage

Ardeshir Zahedi talk with BBC Persian TV Part 2

http://www.youtube.com/embed/3SRH9Q_Szm4?feature=player_detailpage

Ardeshir Zahedi talk with BBC Persian TV Part 3

http://www.youtube.com/embed/9JPLz4-x2M?feature=player_detailpage

بهرحال پس از آنکه یکی دو روز گذشت و قدری حالم مساعد شد با تحملی که به آن عادت کرده ام مصاحبه را شنیدم و اکنون نقدی که تقدیم است نقد مستقیم است.

دخالت امریکا یا عدم دخالت

اولین سوال آقای فانی در این زمینه بود که حکایت از رد ادعای آقای زاهدی را داشت که مدعی اند که آمریکا در جریان ۲۸ مرداد دخالتی نداشته است.

بنده چون برای اولین دفعه است که چنین توجهی را از جناب آقای زاهدی می‌شنوم برایم سخت قابل قبول بود. بهتر است که عین سوال آقای فانی به اینجا آورده شود که سوء تفاهمی پیش نیاید.

سوال آقای فانی این است:

چرا شما فکر میکنید که همه سازمان های اطلاعاتی آمریکا و سیاستمداران آمریکا در اعلام نقش در کودتای ۲۸ مرداد اشتباه میکنند و شما درست می‌گویند؟

سوال آقای فانی مویب این است که جناب زاهدی حضور خارجیان را در جریان رویداد ۲۸ مرداد قبول ندارند و آقای فانی، برخلاف جناب زاهدی عقیده بر دخالت بیگانگان را دارند.

در پاسخ جناب زاهدی، ملاحظه میشود که تکیه کلام و محور فکری ایشان در پاسخ به سوال متوجه حاصل و ماهیت رویداد ۲۸ مرداد است نه مراتب اجرائی آن چرا که در اولین جمله پاسخ به سوال آقای فانی به لفظ کودتا که از جانب ایشان بکاررفته اعتراض داشته و آنرا رستاخیز میدانند نه کودتا.

همین جمله تاکیدی نشان میدهد که جناب زاهدی مسئله دخالت و نقش آمریکا را در ماهیت و نتیجه رویداد ۲۸ مرداد که منجر به بازگشت شاه شد را تکذیب و غیر قابل قبول دانسته اند، نه مراتب اجرائی دخالت آمریکا که بنابر اسناد و اعلام سازمان سیا و مدارک دیگر به شکست سازمان سیا در مرحله اول اجرائی رویداد ۲۸ مرداد اعتراف کرده اند.^۲

دخالت آمریکا و ابعاد آن

رویداد ۲۸ مرداد مانند همه رویدادها از ابتدا تا آخر در یک مسیر حرکت نداشته است، هر رویدادی ممکن است وجه بسیار که مراحل متعدد و مختلفی را هم میپیماید تا به آخر برسد، رویداد ۲۸ مرداد هم شامل دو مرحله است.

مرحله اول دخالت و برنامه ریزی آمریکا و انگلیس برای براندازی حکومت مصدق.

^۲ - با دقت به دو مرحله ای بودن واقعه توجه شده است. تا روز ۲۵ مرداد آمریکایی ها اصرار در دخالت در امور ایران داشته اند ولی پس از شکستی که خوردند و مجلس از سوی مصدق تعطیل اعلام شد وضعیت حقوقی و قانونی لازم بوجود آمد و شاهنشاه بدون دخالت دادن دست بیگانه طبق قانون مصدق را عزل کردند که در آن زمان دستور واشنگتن به خروج فوری مامور سیا از ایران صادر شد. وقایع پس از روس ۲۵ مرداد در کنترل مامور سیا نبوده زیرا سه روز بود از ایران خارج شده بود. ح-ک

در این مرحله دلائل کافی وقاطع بردخالت وبرنامه ریزی آمریکا وانگلیس وجود دارد ولی همان دلائل ومدارک نشان میدهد که آمریکا درانجام آن دخالت، موفق نبوده ودستورتوقف عملیات راداده ودریک کلمه شکست خورده است.

اینجا ذکر این مورد بجاست که همین مقدار دخالت خارجیان دراجرای عملیات علیه دولت مصدق را نمیتوان عنوان کودتا داد وعنوان حقوقی آن دخالت کشورها درامورداخلی وحقوق سیاسی کشورهاست نه کودتا (سوابق درحقوق بین الملل ورویه های سازمان ملل متحد) وبکاربردن لفظ کودتا ناشی ازبرداشتهای عوامانه است.

از آنجا که هیچ سند ودلیلی براینکه شاه ازدولت آمریکا ویا انگلیس خواسته باشد که علیه مصدق اقدام اجرائی نمایند وجود ندارد وبرعکس، اعلامات آمریکائی ها نشان میدهد که شاه مخالف سرسخت دخالت خارجیان وحتی عزل مصدق بوده است، لذا اساسا توجه وارابطادادن برنامه های اجرائی آمریکا به شاه وایران فاقد وجاهت واعتبارحقوقی است.

آثارحقوقی دخالت وقتی متوجه کسی میشود که در آن دخالت ومشارکت داشته باشد مانند درخواست های آشکارونهان جنبش سبزخارج ازکشوراز آمریکائی ها برای دخالت دربراندازی جمهوری اسلامی. لهذا اینکه کسانی میگویند <کودتای آمریکا وشاه علیه مصدق> سخن خام وبازاری است.

دخالت وعملیات اجرائی فرع برنتیجه است

هرعملی چه اقتصادی ویا سیاسی فرع برنتیجه است وقتی صحبت ازجنگ وآثار آن میشود نمیتوان نتیجه آنرا ازنظر دورداشت واگرجنگی که آنهمه خسارت به کشوروملت میزند با شکست توام باشد البته که فرق دارد با جنگی که به پیروزی کشور تمام شود.

مسئله دخالت آمریکا دررویداد ۲۸ امرداد هم نمیتواند ازنتیجه دخالت آن کشور فارغ باشد دخالتی که منجربه شکست آنها شده ومصدق درقدرت میماند وسازمان سیا فعالیتش رادرتهران علیه مصدق متوقف میکند وشاه ناچارمیشود که کشورراترک کند وكاخ سعد آباد غارت و مصدق رسما پیروزی خود را علیه کودتا! اعلام میکند، پیکره های شاه پانین کشیده میشود ودکترفاطمی وزیرخارجه مصدق درمقام تشکیل دادگاههای صحرائی است، چه نمره وامتیازی میتوان به دخالت آمریکا داد جزشکست وخفت که هم ازنظراجرائی شکست خورده وهم ازنظرحقوق بین الملل متهم به خلاف کاری شده است؟

بنظرمیرسد که جناب زاهدی نسبت به دخالت آمریکا وانگلیس دررویداد ۲۸ امرداد تکذیب ویا تردیدی نداشته اند ولی در آنچه که قیام ورستاخیرملی که منجربه برکناری مصدق وبازگشت شاه شده است اصرارداشته اند.

سرمایه اعتباری رستاخیز ۲۸ امرداد

واقعیت این است که دخالت خارجیان دربخش اول رویداد ۲۸ امرداد وشکست آنها، سرمایه اعتباری قیام ورستاخیر ملت ایران در ۲۸ امرداد است، زیرا مردم باقیام خود قدرتی راکه آمریکا وانگلیس

راشکست داده بود سرکوب کردند، و در کلامی دیگر ارزش ملی و مردمی قیام در مقابل اقدامات وسیع سازمان سیا که منجر به شکست و عدم موفقیت آن سازمان شد قابل ارزیابی درست است.

ماهیت دخالت خارجیان علیه سلطنت بود

اسنادی که پس از جریان ۲۸ مرداد انتشار یافت و بخشی از آن در تحریر مورخ ۲۰۱۳/۸/۲۷ اینجانب آمده است^۳ و بخشی نیز در کتاب جناب زاهدی از طریق نقل قول آمده، موید این است که اساساً برنامه و طرح آمریکا از سالها قبل از ۲۸ مرداد تبدیل کشور به جمهوری و براندازی رژیم سلطنتی ایران بوده و ۲۸ مرداد فرصتی برای انجام هدف آنها بوده است، و این مراتب دلیلی است که اولاً عنوان کودتای آمریکا و شاه نادرست است و مهم تر اینکه قیام و رستاخیز ۲۸ مرداد که باعث استقرار رژیم سلطنتی ایران شد دارای چنان مشروعیت ملی بود که سالهای سال مانع تحقق برنامه و هدف شیطنی بیگانگان علیه رژیم سلطنتی ایران گردید، تا شورش ۵۷.

دخالت در امور کشورها

در سخنان جناب زاهدی اشاره ای به دخالت خارجیان در جریان ۲۸ مرداد بود که آنرا بطور کلی حقی برای کشورها و حفظ منافع خودشان اعلام کرده اند.

این برداشت درست نیست و کشورها بهیچوجه حق دخالت در امور کشورها را ندارند و کشورها با عضویت در سازمان ملل متحد و عهد نامه های بین المللی این حق تصویری را از خودشان ساقط کرده اند.

سوال دیگر چرا عزل مصدق بوسیله سرهنگ نصیری صورت گرفته است.

سوال دیگر آقای فانی این است که چرا فرمان عزل نخست وزیر بوسیله سرهنگ نصیری صورت گرفته است.

ماهیت سوال مزبور نشان میدهد که آقای فانی قبول دارند که عزل مصدق از حقوق شاه میباشد > صراحتاً متمم قانون اساسی < ولی ایرادشان این است که چرا فرمان عزل بوسیله سرهنگ نصیری به مصدق ابلاغ شده است.

ایراد آقای فانی در مقام ایراد قانونی و مشتبه، قرار ندارد، هیچ قانون و یا آئین نامه قانونی نگفته است که کیفیت ابلاغ فرامین پادشاه به چه کیفیت است و حتی سنت مشروطیت نشان میدهد که در زمان احمد شاه عزل نخست وزیر و یا نصب نخست وزیر به امر شفاهی شاه صورت گرفته است، اگر فرمان عزل مصدق بوسیله پست خانه هم به او ابلاغ میشد این ایراد باقی بود که چرا بوسیله پست ابلاغ شده است، غرض از ابلاغ فرمان آگاهی از متن فرمان و اراده پادشاه است لاغیر.

شاہ فرمائی میدہد، نفس فرمان مهم است نہ اینکہ چہ کسی آنرا حامل است، آقای فانی ایراد دارد کہ چرانصیری ہمراہ تعدادی نظامی برای ابلاغ فرمان بہ منزل مصدق رفتہ است۔

این سوالی است کہ باید از سرہنگ نصیری بشود نہ از جناب زاہدی ویا دیگران، نصیری است کہ باید تدبیر و طریقی بیاندیشد کہ فرمان قابل رساندن بہ مصدق باشد در آن شرائط کہ سرہنگ نصیری از ہر کس بیشتر آگاہ بودہ، اوست کہ کیفیت رساندن فرمان عزل مصدق را فراہم میکند، آیا دلیلی ویاسندی در دست ہست کہ شاہ دستور دادہ باشد بہ نصیری کہ فرمان رادرمعیت گروہی از سربازان بہ مصدق ابلاغ کند؟ مسلما خیر، شاہ فرمان میدہد، نہ کیفیت ابلاغ فرمان را۔ فرمان بہ معنای حکم و امر است و اطاعت از آن باقید و شرط ہمراہ نمیباشد۔^۴

واساسا بر این قبیل ایرادات جنبی بی پایہ، کہ حدی بر آن متصور نیست اثری ہم وارد نمیشود، چراکہ، وقتی اصل عمل، قانونی و حق است عوارض آن در مقابل حق، محل اعتبار نیست وقتی اصل ۴۶ متمم بہ شاہ حق عزل و نصب وزراء رادادہ است (مصدق ہم آنرا قبول داشتہ حتی بعد از جریان ۲۸ امرداد) دیگر بحث ہای ساعت ابلاغ و کیفیت وامثال آنها عبث است۔

ورود بہ باب انفعال

دامنہ گفتارہای جناب زاہدی بہ بابی کشیدہ شد کہ میتوان بہ آن عنوان انفعال راداد کہ قابل تحسین و تمجید است و حکیم مولوی در این باب گفتہ: <اعتراف بہ زشتی ہا موجب زیبایی است>

انفعال بہ این معنی است کہ اعمالی کہ شخص میتوانستہ در موقع لازم انجام بدهد ندادہ است، بہ موقع انجام وظیفہ نکردہ است، بموقع شاہ را از خطرات و نادرستی ہا آگاہ نکردہ است، بموقع خدمتگزاری وفاداری بہ شاہ و میہن رانشان ندادہ، بموقع درواکنش بہ نادرستی ہا استعفا ندادہ وامثال آنها۔

دولتمردان خائن

جناب زاہدی این توجہ رامصرانہ بہ شنوندگان مصاحبہ دادند کہ وزرا و نخست وزیر شاہ خدمتگزار نبودند ، ایرادات را نمی گفتند، واکنش خود را با استعفا نشان نمیدادند، و وفاداری خدمتگزاری خودشان را در وقت لازم نشان نمیدادند۔ و با تاکید بیشتر این نتیجہ را ارائه فرمودند کہ چاپلوسی و عدم قبول مسئولیت و سوء رفتار وزراء و مامورین دولت و عدم خیرخواہی و وطن پرستی آنها عامل بدبختی ملت ایران شد (مقصود شورش ۵۷ است)۔

جناب زاہدی در پاسخ بہ اعتراض آقای فانی کہ گفت؛ <پس شما ہمہ را خائن میدانید غیر از خودتان> توضیح دادند کہ منہم خودم را جدا از آنها نمیدانم ولی لااقل این موضوع در کارنامہ سیاسی من ثبت است کہ درس موریتس بمناسبت عدم موافقت استعفای خود را در آن موقعیت حساس درجیب اعلیحضرت گذاردم۔

^۴ - چند روز بود تانک و آرایش نظامی و سرتیب ریاحی و سرہنگ متین دفتری با سربازان تحت فرمان خود در اطراف خانہ مصدق در خیابان کاخ کمین کردہ و آمادہ باش بودند۔ حضور سرتیب نصیری با ہمراہ محافظ بدلیل وضعیت متشنج اطراف خانہ مصدق قابل توجیہ است۔ ح-ک

شاہ چی

اظہارات جناب زاہدی درعامیت خیانت دولتمردان زمان شاہ این فرصت توام با فرومایگی راہرای آقای فانی بوجود آورد کہ بپرسد؛ <شاہ چی>، اوکہ قانون اساسی رابلد بود۔

مفہوم سوال معلوم است، کہ فانی خواستہ بگوید اگر دولت مردان خائن بودند، شاہ چگونہ با آنها کار میکرد؛ <آدم نیکو کار نمیتواند بابدکاران بیامیزد بدین جهت نمیتوان یک مرز واقعی بین اشرارونیکوکاران کہ باہم داخل شدہ اند بوجود آورد = (جبران خلیل جبران)> اشارہ فانی بہ اینکہ شاہ کہ قانون اساسی را بلد بود میرساند کہ بیشترین باراتهام خیانت بہ شاہ متوجہ عدم رعایت قانون اساسی و متمم آن است۔

بنظر میرسد کہ جناب زاہدی ازدرک حیلہ گری و فرصت طلبی مصاحبہ کنندہ در طرح پرسش مزبور غافل بودہ کہ با پیش کشیدن بحث چاپلوسی بر ادعای پرسش گونه آقای فانی صحت میگذارند۔

دستاورد فانی از سوال وجواب مطروحہ اینہاست:

- ۱- نمیتوان تفاوتی بین شاہ ودولتمردان کشور از نظر خیانت گذاشت۔
- ۲- قبول ضمنی جناب زاہدی مبنی بر اینکہ شاہ رعایت قانون اساسی و متمم رانمیکرد۔ و علت این مہم چاپلوسی مردان حکومت از شاہ بودہ است
- ۳- شورش ۵۷ نتیجہ چاپلوسی ونادرستی وسوء مدیریت دولتمردان زمان شاہ بودہ است۔

نظراتشان غیر قابل قبول است

۱- فلسفہ خلیل جبران در جمع بد کاران ونیکوکاران در مورد شاہ بہ دودلیل وارد نیست:

نخست اینکہ موقعیت شاہ موقعیت رسالت ومأموریت از خداوند است وقراردادن آن در فلسفہ معروف جبران خلیل باغفلت بزرگی روبروست، مفہوم عدم مسئولیت وموقعیت پادشاہ ومظہریت ورسالت او فصلی نیست کہ گشاینده اختلاط بدان ونیکوکاران بشود۔ پادشاہ، شاہ ہمہ است از خوبان وبدکاران، ہم تفویض مقامات وهم اجرای احکام مجازات ہا بنام شاہ است قرارداد شاہ در ردیف مردمان خوب ویابد نا آشنائی بہ موقعیت شاہ در فرهنگ ایرانی است۔

دوم اینکہ اتہام بہ دولتمردان زمان شاہ آنہم کلی وبدون محاکمہ قابل قبول وطرح نیست وامری نظری است واز نظر نمیتوان چنان نتیجہ خرد کنندہ ای را گرفت۔

۲- چاپلوسی وسوء مدیریت وامثالہم

جناب زاهدی مسائلی از قبیل چاپلوسی از پادشاه و سوء مدیریت امثال آنها را دلیل و سبب شورش ۵۷ دانسته اند.

مسائلی از قبیل چاپلوسی، سوء مدیریت دولتمردان، همراهی در راه های نادرست و امثال آنها که از طرف جناب زاهدی عنوان شده، اختصاص به شخصیت های حکومتی ایران نداشته و در همه کشورها کم و بیش وجود دارد و اگر انصاف باشد وزرا و کارمندان دولت های شاهنشاهی در مقام مقایسه با کشورهای مشابه مقامی والا و پاک در خدمتگزاری داشته اند.

دستاوردهای دوران پهلوی ها با خواست و حمایت شاه و همت همان دولتمردان بوجود آمده. اصل، درستی و وطن پرستی و خدمتگزاری آنهاست مگر خلافت ثابت بشود (اصل استصحاب) فکر میکنم که ناراحتی سخت جناب زاهدی از آنچه که برکشوررفته و میرود سبب بکاربردن آن واژها در مورد دولتمردان زمان شاه شده باشد؛ <برکلام و تصمیم مغلوب غضب آثار معنوی محقق نمیگردد>.

در ایران خودمان در تمام دوران قاجار و احمدشاه براق ترین موضوع همین تقبیح سکوت بر اعتراض است شعرای ما هم به این کمبود و عادت مردم و حتی خیرخواهان جامعه نیز اشاره کرده اند (سکوت در مقابل ظلم مانند پنهان کردن شمشیر در میدان جنگ است)

در همه کشورها دولت ها و شخصیت های دولتی در نظر عامه منفور هستند چراکه مردم تصور میکنند نارسائی ها و کمبودها در نتیجه نادرستی و کم کاری آنهاست، ولی گشودن فصل خیانت برای آنها کاردرستی نیست.^۵

آقای علم دریادداشت های روزانه اش آورده؛ <گاهی همانقدر از صمیم قلب به شاه دعا میکنم، که به دولت پدرسگ نفرین میکنم> درست نظریه امروز جناب زاهدی.

حمله آمریکا به عراق و لطماتی که به آمریکا از جهت بین المللی و مالی زد نتیجه چاپلوسی و دروغگوئی مردان سیاست و اطلاعات آمریکا برای خوش آمد آقای بوش بود (سلاح های کشتار جمعی).

در همین آمریکا مگر سوء رفتار دولت نیست؟ زندانهای مخفی - شکنجه های رسمی و غیر رسمی - زندان ابو غریب - جاسوسی و استراق سمع - بازداشت های بدون محاکمه گوانتانامو، نیست البته که هست آیا مردم آمریکا علیه دولت و کشورشان قیام کرده اند؟

خشن ترین و بی پروا ترین پلیس دنیا پلیس آمریکا ست همین الان که این تحریر تنظیم میشود در برنامه سی ان ان دیدم که یک پلیس آمریکا در حالیکه به زن بارداری دست بزد از پشت زده بود با آرنجش به سر آن زن میکوبید، عملی که حتی در جمهوری اسلامی بیسابقه است.

در همین جمهوری اسلامی غاصب ایران، میبینیم که نزدیکان خامنه ای و مردان حکومت چه دزدی ها میکنند و چاپلوسی ها و تجلیل ها و چاپلوسی به کجا کشیده که محال است یک صدم آن ها را با سابقه

^۵ - در کتاب های آقای مهدی شمشری به ویژه کتاب های آخرین ایشان تهمت و خیانت به همه دولتمردان از جمله به جناب آقای زاهدی را باب کرده است تا بدانجا که آقای زاهدی را کارمند سیا و عامل قتل معرفی می کند، بدین ترتیب تقریباً شخصیتی ایرانی باقی نمانده که خیانت پیشه نبوده باشد، پرسش این است پس چطور آنهمه خدمات دوران پهلوی فراهم شده، نویسنده جز پرخاش و بد دهنی پاسخی به کرده های ناپسند خود ندارد. ح-ک

دانت، شکنجه، زندان، اعدام، سنگسار، قطع بدن، خفقان، امری عادی در جمهوری اسلامی است پس چرا شورش ۵۷ علیه جمهوری اسلامی روی نمیدهد چرا حکومت‌هایی که بر اساس زور و فشار بر مردم و خفقان اداره میشود (عربستان از جمله) سقوط نمیکند ولی ایران شاهنشاهی باید با چنین بهانه‌هایی ساقط گردد.

گم بودن عامل اصلی شورش ۵۷

در بیانات جناب زاهدی عامل اصلی و اساسی شورش ۵۷ نادیده گرفته شده است، ایشان در مصاحبه مورد بحث به کرات برای اثبات نظراتشان به کتاب‌هایی که دیگران نوشته‌اند اشاره کردند، این تحریر هم به اطلاعات صریح شاهنشاه در کتاب پاسخ به تاریخ، اقرار بر روسای جمهور آمریکا و فرانسه، سفیر آمریکا و انگلیس در ایران، شخصیت‌های سیاسی و نظامی آمریکا، سازمان اطلاعات فرانسه و صدها شاهد و نویسنده و محقق ایرانی و خارجی و مقالات سنگر و رساله‌های امثال شاه و غرب، استناد میکنم و عرض میکنم که عامل بدبختی ایران تقلا و مجاهدت شاهنشاه برای حفظ منافع مملکت از ذخایز نفتی ایران بود و این، صریح‌ترین سخنی است که آقای پارسونز درباره علت اقدام کشورها علیه شاهنشاه ایران در مصاحبه و کتاب خودش اعلام کرده است.

جناب زاهدی در همین مصاحبه قائمه قدرت فرهنگی و تاریخ ۲۵۰۰ ساله ایرانی را ملاک قراردادده‌اند چگونه باور کردنی است که چابلوسی از شاه بوسیله دولت مردان سبب فرو ریختن ملت و کشوری با آن تاریخ و فرهنگ باشد.

این درست نیست که ما دخالت آشکار و غیر قابل تکذیب بیگانگان را در شورش ۵۷ نادیده بگیریم و یا موقعیتی به آن بدهیم که تحت الشعاع حقیقت و انگیزه شورش ۵۷ که تامین منافع بیگانه بود قرار گیرد.

۳- عدم رعایت قانون اساسی

بدترین و سنگین‌ترین اتهامی که در این مصاحبه بطور ضمنی متوجه شاهنشاه شده تعدی و تجاوز به قانون اساسی است و همانطور که در تحریرات سابق مطرح شده اثرات تائید چنین اتهامی آنقدر سنگین است که عدم مشروعیت سلطنت شاه را متضمن میشود و شاه را از همان زمانی که به تعدی به قانون اساسی متهم میسازد غاصب سلطنت میشناسد.

تقاضای آقای عنایت فانی

بنده از فرصت استفاده کرده و از آقای عنایت فانی درخواست دارم که در مصاحبه‌هایی که در پیش دارند موضوع «مورد» تجاوز و تعدی به قانون اساسی، نادیده گرفتن قانون اساسی و متمم آن، زیر پا گذاشتن قانون اساسی، که آخری معروفترین عبارت بکاررفته در این مورد است، را مورد سوال از مصاحبه‌شوندگان قرار بدهند تا شاید برای اولین بار این ادعایی که سالهاست مطرح است و هر قدر هم کوشش و درخواست شده که موارد ادعا بیان شود هدایت و جوابی دریافت نشده به سامانی روشن‌گرانه برسد.

قبلا از قبول این درخواست و مساعدت آقای عنایت فانی به حل این فصل سیاسی و حقوقی تشکر مینمایم

بالاحترام